

بررسی نقش واسطه گری هوش هیجانی بر سبک دلبستگی ایمن و مولفه های عشق ورزی

زهرا اژدري، ژاله رفاهی، سحر قشقایی

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مروودشت، گروه مشاوره مروودشت، ایران.

۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس، گروه روانشناسی بالینی، فارس، ایران

چکیده

هدف:

این مطالعه با هدف پیش بینی سبک های عشق ورزی براساس سبک دلبستگی ایمن با واسطه گری هوش هیجانی در دانشجویان مجرد انجام گرفت.

روش:

آزمودنی های این پژوهش را ۲۹۷ نفر از دانشجویان رشته های علوم پایه و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (۱۵۰ پسر و ۱۴۷ دختر) با روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب بدین منظور و نسخه تجدید نظر شده مقیاس دلبستگی بزرگسالان (کالینز و رید، ۱۹۹۶)، نسخه کوتاه شده پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان (۱۹۹۷) و پرسشنامه عشق مثلی (استرنبرگ، ۱۹۹۷) را تکمیل نمودند.

یافته ها:

هوش هیجانی رابطه مثبت معناداری را بر ابعاد عشق دارد و این رابطه در مورد هر سه بعد عشق معنی دار است. سبک دلبستگی ایمن، رابطه معنی داری با ابعاد مولفه های عشق ندارند همچنین سبک دلبستگی ایمن با هوش هیجانی رابطه دارد، اما با مولفه های عشق رابطه مستقیم ندارد. با این حال سبک دلبستگی ایمن با هوش هیجانی رابطه داشته و هوش هیجانی نیز با ابعاد عشق رابطه دارد. **نتیجه گیری:** یافته های تحقیق لزوماً توجه به مکانیسم های واسطه ای در بررسی رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و پیامدهای آن را مورد تأکید قرار می دهد.

کلیدواژه ها: هوش هیجانی، مولفه های عشق ورزی، سبک های دلبستگی، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی.

ازدواج یک ارتباط انسانی منحصر به فرد است که با هیچ یک از روابط بین فردی دیگری قابل مقایسه نیست و فقط در این امر است که تمام ابعاد زیستی - معنوی، اجتماعی و عاطفی انسان مورد توجه قرار می گیرد و تسهیل رشد شخصی را فراهم می آورد. یکی از عوامل موثر در رشد و تسهیل افراد، سبک دلبستگی می باشد و از آنجا که بالبی (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰) مفهوم دلبستگی را از دیدگاه تحولی مورد ارزیابی قرار می دهد و نظریه اش را بر این اساس بنا می کند که احساس ها و رفتارهای دلبستگی از قبیل گریه، خنده، مکیدن و چنگ زدن نوزاد را به مادر نزدیک و از خطر دور می سازد و جدایی از مادر، اضطراب و درماندگی کودک را برمی انگیزد، تجربه های واقعی فرد در مورد حساسیت، پاسخگو بودن، حضور فعال مراقب همچنین خلق و خوی کودک و هماهنگی روابط والد - کودک، اساس شکل دهی به سبک های مختلف دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا)، در خلال سال های نوزادی و کودکی است (به نقل از کرین، ۲۰۰۰ ترجمه، خوئی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). نظریه ی دلبستگی مطرح می کند که دلبستگی ایمن به مادر به عنوان یک انگیزه ی اصلی برای بقا عمل می کند (بالبی، ۱۹۶۹) و مجموعه های از صفات مادام العمر را ایجاد می کند که سبک های دلبستگی^۱ نامیده می شود، که رفتار، عاطفه و شناخت را در روابط صمیمانه تحت تأثیر قرار می دهد. انحراف از دلبستگی ایمن، دلبستگی نا ایمن^۲ نامیده می شود که در دلبستگی اضطرابی، اجتنابی، منفصل^۳ و بی سازمان^۴ تجلی می یابد. هر چند سبک دلبستگی می تواند با تجارب بعد به روز شود، دلبستگی اولیه نقش مهمی در ایجاد سبک دلبستگی دارد (لیونز - راس^۵، ریپاچولی، مکلیود و سیلوا، ۲۰۰۸). همانگونه که بیان شد یکی از انواع سبک های دلبستگی که مورد توجه پژوهشگران می باشد سبک دلبستگی ایمن است، افراد با سبک دلبستگی ایمن می توانند به آسانی به همسر خود نزدیک شده و روابط پایداری را ایجاد کنند و به سهولت به آنها اعتماد کنند. (هالات و هوواردگلو^۶، ۲۰۱۱).

از دیگر مواردی که می تواند در رشد و تسهیل افراد نقش موثری ایفا کند هوش هیجانی می باشد، که رابطه نزدیکی نیز با سبک دلبستگی ایمن دارد. نظریه پردازان هیجان اذعان می کنند که سازمان دهی هیجانی اساسا ریشه در دلبستگی و تجربیات اجتماعی سازی هیجانی دارند (ماگای، هونیزکر، مسیاس، و کولور، ۲۰۰۰). بنابر نظریه دلبستگی، هیجان های ناراحت کننده، سیگنال هایی را مبنی بر خطر احتمالی که نیازمند توجه و ارزیابی می باشد صادر می نماید. فقدان خویشتن آگاهی و یا سرکوب هیجانی سبب می شود بخش مهمی از اطلاعات پیرامون فرد، ارزیابی فرد را تحریف کند و سبب هیجانات نامناسب در افراد برای قضاوت و ارزیابی، بازدهی را کاهش دهد (سالووی^۷، ۱۹۹۰ به نقل از صفری دهنوی؛ عابدی، ۱۳۹۰). مایر^۸ و سالووی اولین کسانی هستند که در سال ۱۹۹۰ مدل جامع هوش هیجانی را معرفی کردند. آنها رویکرد هوش چندگانه گاردنر را بسط داده و نظریه های هوش هیجانی خود را برپایه ی نظریات گاردنر درباره ی استعدادهای فردی بنا کردند و بر این فرض استوار بود که افراد در توانایی درک و شناسایی هیجان های خود دیگران با یکدیگر تفاوت دارند (بار - ان؛ ۱۹۹۷ به نقل از روستایی؛ غنایی و غروری، ۱۳۸۹). هوش هیجانی، یعنی داشتن مهارت هایی برای شناخت خود و آگاهی از افکار، عواطف^۹، احساسات و پیوستگی رفتاری. هوش هیجانی به آن دسته از مهارت ها اطلاق می شود که برای ارزیابی مجدد و هدایت به کار می برید تا باعث تغییر ماهری و توانایی های شما برای تعالی، توسعه، هدایت و ایجاد احساس مثبت از زندگی شود (گلنن، ۱۹۹۵ ترجمه، پارسا، ۱۳۸۸). بار - ان (۱۹۹۷، ۲۰۰۰) هوش هیجانی را نوعی گرایش ذاتی متشکل از ظرفیت ها و توانایی های انطباقی، کنترل تکانه ها و مقابله با استرس ها و هوش های درون شخصی و بین شخصی می داند (به نقل از بشارت؛ زبردست؛ نادعلی و صالحی، ۱۳۸۷).

¹ - attachment styles

² - insecurity

³ - detachable

⁴ - instructure

⁵ - Liuonz-rath, Ripacholi, Maclead & Silva

⁶ - Halat & Hovardaoglu

⁷ - Salovey

⁸ - Mayer

⁹ - feeling

از عوامل مهم دیگری که می تواند تمام ابعاد زیستی - معنوی، اجتماعی و عاطفی انسان را مورد توجه قرار دهد مولفه های عشق می باشد. نکته قابل توجه این می باشد که عشق نیز مانند هوش هیجانی رابطه نزدیکی با دلبستگی از نوع ایمن دارد. از منظر نظریه ی دلبستگی، عشق حالتی پویاست و شامل نیازها و ظرفیت های هر دو نفر از نظر دلبستگی، مراقبت و فعالیت جنسی است. لذت و خوشی، سپاسگذاری، تقدیر عمیق، محبت و مهربانی، اضطراب حمایت کنند "خود"، خستگی جانکاه، خشم ویرانگر، حسادت غیرقابل کنترل و غم و اندوه شدیدی در روابط رمانتیک تجربه می شود، بازتابی از ماهیت اساس این نظام های رفتاری سه گانه است. در اواخر دهه ی ۱۹۸۰ هازان و شیور، نظریه تکامل یافته تر بالبی و آینثورث را ارائه کردند این نظریه از آن جهت طراحی شده بود تا عشق نوزادی انسان و دلبستگی آنان را با مراقبین به گونه ای توصیف نماید تا چهارچوبی برای مطالعه ی عشق رمانتیک و ارتباطات زوجین بالغ فراهم نماید (آینثورث، بلهر، واترز و وال، ۱۹۸۷، بالبی، ۱۹۸۲، هازن و شیور، ۱۹۸۷، شیور، هازن و برادشاور، ۱۹۸۸ به نقل از جانسون و ویفن، ۲۰۰۰ ترجمه، بهرامی و همکاران، ۱۳۸۸). عشق شیفته ترین هیجان است. عشق در لغت به معنی گذشت از حد دوستی و کور شدن چشم از دریافت عیوب معشوق است (حسن زاده، ۱۳۸۶). نظریه عشق مثلثی^۱ بیان می دارد که عشق را می توان در قالب سه بخش درک کرد که در کنار هم سه سه زاویه یک مثلث را تشکیل می دهند. در واقع عشق معمولاً از سه عنصر روانشناختی تشکیل شده است: صمیمیت (یا نزدیکی)، شور (که اکثراً ماهیتی جنسی دارد) و تعهد و عشق کامل و تمام عیار وقتی رخ می دهد که هر سه مؤلفه اساسی آن حضور داشته باشد (اشترنبرگ، ۱۹۸۶ به نقل از نالیس؛ ۲۰۰۴ ترجمه، وهابی، ۱۳۸۶).

در مورد رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی با مولفه های عشق تحقیقات زیادی انجام گرفته که نشان دهنده رابطه بین این متغیرها می باشد. از جمله این پژوهش ها می توان به پژوهش کافتسیوس (۲۰۰۴) اشاره کرد، در این پژوهش دلبستگی ایمن به طور مثبت و دلبستگی نایمن به طور منفی با نمرات مولفه های هوش هیجانی و نمره کل هوش هیجانی ارتباط دارد. سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان مقایسه مولفه های سبک های عشق بین افراد متاهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی نشان داد که افزایش صمیمیت و لذت در تعاملات زوجین می تواند موجب رضایت بیشتر از روابط زناشویی گردد و تعهد به تنهایی موجب بروز رضایت زناشویی نمی شود. گونزاکا، کیتنر، لانداهای و اسمیت^۲ (۲۰۰۶)، نتایج مطالعاتشان حاکی از این بود که عشق تنها با حالت های هیجان مثبت تر مرتبط است، یعنی میزان ابراز و تجربه عشق، تنها پیامدهای روابط مثبت را پیش بینی میکند بر طبق نتایج پژوهش آنها تولید مثل و رفتارهای جنسی نیز جنبه های دیگری از عشق هستند اما اجتماع حمایت اجتماعی، سلامت و بقا را به طور واضح مولفه های سودمندی از مفهوم زیست شناختی عشق را مشخص میکند. زیدنر و کالودا (۲۰۰۸) به بررسی نقش هوش هیجانی در عشق رمانتیک زوجین تازه ازدواج کرده پرداختند، علاوه بر این آن ها به بررسی این مطلب پرداختند که عشق رمانتیک تا چه اندازه تحت تاثیر نوع مقیاسی برای سنجش هوش هیجانی به کار می رود قرار می گیرد. رضازاده (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین ابعاد عشق ورزی و سبک های دلبستگی پرداخته در نتیجه سبک های دلبستگی ایمن و نایمن اجتنابی به طور معناداری میتوانند میزان صمیمیت در عشق و سبک های دلبستگی نایمن اجتنابی و مضطرب - دوسوگرا می توانند به طور معناداری شوریدگی در عشق و بالاخره سبک های دلبستگی ایمن و نایمن اجتنابی بطور معناداری میزان تصمیم، تعهد در عشق را پیش بینی کنند. مدی و راجرز^۳ (۲۰۰۹) به بررسی رابطه سبک دلبستگی و اجزاء عشق (صمیمیت، شور و تعهد) پرداختند. نتایج تحلیل رگرسیون رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت ایمن و شور تاثیر مستقیمی بر رضایت از رابطه داشتند. اگسی و گنسوس^۴ (۲۰۱۱) به بررسی رابطه سبک دلبستگی ایمن، نایمن، حل مسئله ی کارآمد و مهارت های ارتباطی با رضایت زناشویی پرداخته اند. نتایج حاکی از وجود تاثیر مثبت دلبستگی ایمن بر همبستگی و رضایت زوجین بود.

1 - self

2 - triangular theory of love

3 . Gonzaga, Keitner, Rife & Smith

2 Madey & Rodgers

5 Egeci& Gensoz,

حال باتوجه به مباحث مطرح شده متأسفانه در مورد جامعه مورد نظر این پژوهش، تحقیقات قابل توجهی در خصوص وضعیت افراد در متغیرهای سبک دلبستگی ایمن، مولفه های عشق و هوش هیجانی وجود ندارد. همچنین عوامل تأثیر گذار بر این سه متغیر بویژه در دانشجویان مجرد مورد تحقیق قرار نگرفته است. علاوه بر این، نوع و نحوه ارتباطی که این سه متغیر ممکن است با یکدیگر داشته باشند، نه تنها در دانشجویان مجرد، بلکه تقریباً در هیچ جامعه‌ای به طور منسجم و قابل توجهی مورد مطالعه قرار نگرفته است. اکنون، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی مولفه های عشق‌ورزی براساس سبک دلبستگی ایمن با واسطه‌گری هوش هیجانی در دانشجویان مجرد می باشد.

روش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است که با استفاده از شیوه تحلیل مسیر^۱ در راستای مدل یابی صورت پذیرفته است. روش تحلیل مسیر، روش آزمون کردن اعتبار یک نظریه در مورد روابط علی (سببی) بین سه یا چند متغیر است که با استفاده از یک طرح پژوهش همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر رشته‌های مهندسی و علوم پایه شهر شیراز بود که در نیمسال دوم سال ۹۲ در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل بودند. تعداد تقریبی دانشجویان رشته های مهندسی و علوم پایه، نزدیک به ۸۰۰۰ نفر بود. نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انجام شد، بر اساس جدول این و با در نظر گرفتن ۵ درصد خطای نمونه‌گیری، نمونه مورد نیاز ۳۵۰ نفر تعیین شد. بدین صورت که ابتدا از هر دانشکده ۸ کلاس انتخاب و سپس تمام دانشجویان آن کلاس‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. در مجموع ۱۶ کلاس مورد بررسی قرار گرفت با این حال از آنجا که برخی از پرسشنامه‌ها به طور ناقص تکمیل شده بودند، در مجموع ۵۱ پرسشنامه کنار گذاشته شده و ۲۹۹ پرسشنامه جهت بررسی باقی ماند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از سه پرسشنامه برای اندازه‌گیری سبک های دلبستگی، مولف های عشق و هوش هیجانی استفاده شد که به ترتیب عبارتند از: مقیاس دلبستگی بزرگسالان نسخه تجدید نظر شده، پرسشنامه هوش هیجانی (بار-ان، ۱۹۹۷) و پرسشنامه عشق استرنبرگ.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان نسخه تجدید نظر شده^۲

این مقیاس در سال ۱۹۹۰ به وسیله‌ی کولینز و رید^۳ تهیه شده و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفته است. مبنای نظری این مقیاس نظریه دلبستگی است و چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقیاس دارای ۱۸ عبارت از نوع طیف لیکرت و ۳ زیر مقیاس است که به هر یک ۶ عبارت اختصاص یافته است. زیر مقیاس‌ها عبارتند از: نزدیکی، وابستگی و اضطراب. در عبارات ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۰ و ۹ و ۴ و ۳ و ۲ نمره‌گذاری به صورت معکوس انجام می‌شود. چنانچه نمره آزمودنی در هر سه بعد پایین باشد، سبک دلبستگی وی اجتنابی خواهد بود. کولینز و رید (۱۹۹۰) ضرایب پایایی را به روش بازآزمایی برای زیر مقیاس‌های نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش کرده‌اند. در ایران مقدار ضریب پایایی به روش بازآزمایی و با فاصله‌ی زمانی یک ماه برای ابعاد اضطراب، نزدیکی و وابستگی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۵۷ و ۰/۴۷ به دست آمده است. مقدار ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ نیز برای ابعاد اضطراب، نزدیکی و وابستگی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۲ و ۰/۲۸ به دست آمده است. سبک دلبستگی ایمن افرادی هستند که انتیاز آنها در زیر مقیاس نزدیکی و وابستگی بالاتر از متوسط و در زیر مقیاس اضطراب کمتر از متوسط است. (حمیدی، ۱۳۸۶).

1Path Analysis

2 . Revised Adult Attachment Scale (RAAS)

3 . Collins & Read

یک مقیاس خود گزارش دهی است که نسخه اصلی آن با ۱۳۳ گویه به صورت فردی و گروهی قابل اجرا است و در مقیاس پنج درجه‌ای از (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره گذاری می‌شود. نسخه فارسی آن با ۹۰ گویه در جامعه دانشگاهی ایران اعتباریابی شده است (سموعی، ۱۳۸۰). در این مقیاس کسب نمره بیشتر نشان‌دهنده هوش هیجانی بالاتر است. افزون بر این، نمره‌های پنج عامل (درون فردی - بین فردی، سازش‌پذیری، مدیریت تنیدگی و خلق عمومی^۲) و پانزده زیر مقیاس (خودآگاهی هیجانی^۴، جرأت‌ورزی^۵، احترام به خود^۶، خودتحقق‌دهی^۷، استقلال، همدلی^۸، مسئولیت-پذیری اجتماعی^۹، روابط بین فردی، آزمون واقعیت^{۱۰}، انعطاف‌پذیری^{۱۱}، حل مسئله، تحمل تنیدگی^{۱۲}، مهار برانگیختگی^{۱۳}، خوش‌بینی^{۱۴} و شادکامی^{۱۵}) نیز مشخص می‌شوند. ضریب آلفای کرونباخ برای فرم اصلی برابر با ۰/۷۶ و ضرایب بازآزمایی آن پس از یک ماه برابر با ۰/۸۵ و پس از ۴ ماه برابر با ۰/۷۵ گزارش شده است (بار-ان، براون، کرک کالدی و تام^{۱۶}، ۲۰۰۰). ضریب پایایی برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۰ بود که حاکی از پایایی قابل قبول پرسشنامه است.

پرسشنامه عشق استرنبرگ^{۱۷}

این مقیاس توسط استرنبرگ در دانشگاه نورس ایسترن بوستون تهیه شده است که مشتمل بر ۴۵ سؤال است و دارای سه خرده مقیاس تعهد، شور و صمیمیت می‌باشد. بخشنده (۱۳۸۱)، اعتبار و پایایی این پرسشنامه را مورد محاسبه قرار داده است. برای بررسی اعتبار این پرسشنامه از پرسشنامه‌های ملاک روابط فرد با خود و دیگران استفاده کرده است. ضریب اعتبار به دست آمده ($N=100$, $R=0/43$, $P=0/001$) بود که حاکی از اعتبار قابل قبول آن می‌باشد (بخشنده، ۱۳۸۱). وی ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف را به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۸۶ به دست آورده است. در این پژوهش روایی پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. عبارات ۱۷ و ۲۸ به دلیل بار عاملی کمتر از ۰/۳ از پرسشنامه حذف شدند. بررسی داده‌ها حاکی از آن بود که الگوی سه عاملی (تعهد، صمیمیت و شور) برازش مناسبی با داده‌ها دارد.

یافته‌ها

در مطالعه حاضر تحلیل داده‌ها براساس آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزارهای spss 20 و لیزرل ۸/۸ انجام شد. جدول ۱ و ۲ نشانگر میانگین و انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد.

-
- 1 . emotional intelligence
 - 2 . Bar-On
 - 3 . general mood
 - 4 . emotional self-awareness
 - 5 . assertiveness
 - 6 . Self-regard
 - 7 . Self-actualization
 - 8 . empathy
 - 9 . socialresponsibility
 - 10 . Reality test
 - 11 . flexibility
 - 12 . stress tolerance
 - 13 . impulses control
 - 14 . optimism
 - 15 . happiness l
 - 16 Bar-on, Brown, Mirkealdy & Tomes
 - 17 . Strenberg

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

متغیر	دختر			پسر			کل		
	$\bar{x}$	SD	N	$\bar{x}$	SD	N	$\bar{x}$	SD	N
سن	2/22	47/71	47	4/03	45/29	45	3/12	92/69	92
دلبستگی ایمن	3/54	50/80	50	3/15	47/82	47	3/35	97/83	97
هوش هیجانی	3/45	50/44	50	3/21	47/45	47	3/33	97/46	97
صمیمیت	7/19	50/24	50	6/49	47/19	47	6/84	97/26	97
شور	6/87	50/19	50	6/39	47/21	47	6/63	97/22	97
تعهد	7/68	50/42	50	6/77	47/49	47	7/23	97/52	97

= تعداد آزمودنی ها N = انحراف استاندارد و SD = میانگین $\bar{x}$

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش.

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱-سن	1							
۳-دلبستگی ایمن	0/001	0/09	۱					
۵-هوش هیجانی	0/01	-0/33**	0/22**	۱/13*	۱			
۶-صمیمیت	0/04	-0/15*	0/10	0/10	0/29**	۱		
۷-شور	0/09	0/07	0/13*	0/06	0/24**	۱/47**	۱	
۸-تعهد	0/05	-0/20**	0/14*	0/07	0/34**	0/64**	۱/53**	۱

* P < 0 / 05

** P < 0 / 01

جدول ۳: نتایج آزمون سابل برای بررسی معنی داری اثرات غیر مستقیم

مسیر	Statistic Sobel test	d. Error	P
دلبستگی ایمن - هوش هیجانی - صمیمیت	۲/۹۲	۰/۱۱	۰۰۰۳
دلبستگی ایمن - هوش هیجانی - شور	۲/۷۲	۰/۰۸	۰۰۰۶
دلبستگی ایمن - هوش هیجانی - تعهد	۳/۱	۰/۱۵	۰۰۰۲

جدول ۴ مقادیر استاندارد شده‌ی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم و مجموع تأثیرات مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تأثیرات مستقیم، غیر مستقیم و مجموع تأثیرات مدل پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مجموع اثرات
دلبستگی ایمن	هوش هیجانی	۰/۲۰	-	۰/۲۰
دلبستگی ایمن	صمیمیت	-	۰/۰۶	۰/۰۶
دلبستگی ایمن	شور	-	۰/۰۵	۰/۰۵
دلبستگی ایمن	تعهد	-	۰/۰۷	۰/۰۷
هوش هیجانی	صمیمیت	۰/۲۷	-	۰/۲۷
هوش هیجانی	شور	۰/۲۳	-	۰/۲۳
هوش هیجانی	تعهد	۰/۳	-	۰/۳

نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش واسطه گری هوش هیجانی در رابطه سبک دلبستگی ایمن با مولفه های عشق ورزی در دانشجویان انجام گرفت. در این پژوهش سه مدل ارائه شده نشان داد سبک دلبستگی ایمن به طور مستقیم با ابعاد عشق رابطه معنی داری نداشت، اما هوش هیجانی با ابعاد عشق رابطه مثبت و معنی دار داشت و تأثیر سبک دلبستگی ایمن بر ابعاد عشق نیز به طور کامل واسطه گری می گردد. حال به بررسی هر یک از فرضیه های پژوهش می پردازیم.

در اولین فرضیه ی مطرح شده در این پژوهش رابطه ی هوش هیجانی با ابعاد عشق مطرح شده است، در اینجا هوش هیجانی تأثیر مثبتی بر ابعاد عشق دارد و این تأثیر در مورد هر سه بعد عشق معنی دار است. به عبارت دیگر افزایش در نمرات هوش هیجانی با افزایش در نمرات ابعاد عشق همراه است. بنابراین هوش هیجانی تأثیر مثبتی بر ابعاد عشق دارد. هر چند در مورد رابطه هوش هیجانی و ابعاد عشق پژوهش های زیادی انجام نشده است، اما اغلب شواهد با یافته های پژوهش حاضر همسو هستند.

پژوهش یوسفی (۱۳۸۵) نشان داد بین هوش هیجانی و مهارت های ارتباطی رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش ایش و استفانو^۱ (۲۰۰۵) نشان داد که عشق پیامدهایی برای سلامت و بهزیستی دارد و ممکن است مناطق مرتبط با هیجان، توجه، انگیزش و حافظه را فعال سازد و تنیدگی را کاهش دهد.

گونزاگا، کیتنر، لانداهمی و اسمیت^۲ (۲۰۰۶)، نتایج مطالعاتشان حاکی از این بود که عشق تنها با حالت های هیجان مثبت تر مرتبط است، یعنی میزان ابراز ابراز و تجربه عشق، تنها پیامدهای روابط مثبت را پیش بینی میکند بر طبق نتایج پژوهش آنها تولید مثل و رفتارهای جنسی نیز جنبه های دیگری از عشق هستند اما اجتماع حمایت اجتماعی، سلامت و بقا را به طور واضح مولفه های سودمندی از مفهوم زیست شناختی عشق را مشخص می کند. سیمپسون، کولینز، ترن و هایدان^۳ (۲۰۰۷) به مطالعه ی طولی که بررسی رابطه تظاهرات هیجانی و ارتباطهای عاطفی بزرگسالی با تجربه های دلبستگی در مراحل اولیه تحول اجتماعی پرداختند، نتایج این پژوهش نشان داد شرکت کننده هایی که در دوران نوزادی دلبسته ایمن، شناخته شدند در اواسط کودکی از لیاقت و کفایت اجتماعی بیشتری در بین همسالان برخوردار بودند. همچنین در نوجوانی و اوایل بزرگسالی در روابط نزدیک خود با دوستان و شریکان زندگی تظاهرات هیجانی و عاطفی مناسبتری نشان دادند. زیدنر و کالودا^۴ (۲۰۱۳) به بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی در ۱۰۰ زوج جوان جوان پرداخته اند. نتایج نشان داد که هوش هیجانی افراد و نه همسران آنها بر رضایت زناشویی آنان تاثیر می گذارد. بشارت، زبردست، نادعلی و صالحی (۱۳۸۷) رابطه هوش هیجانی، نارسایی هیجانی و مشکلات بین شخصی را مورد بررسی قرار دادند و بر این نتایج حاکی از این بود که هوش هیجانی با نارسایی هیجانی و مولفه های آن و با مشکلات بین شخصی در زمینه های قاطعیت، مردم آمیزی، صمیمیت و مسئولیت پذیری همبستگی منفی معنا دار دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هوش هیجانی می تواند با نارسایی هیجانی و مشکلات بین شخصی دانشجوی زن را در زمینه های قاطعیت، مردم آمیزی صمیمیت و مسئولیت پذیری را پیش بینی کند. براین اساس هوش هیجانی یک توانایی واحد نیست، بلکه مجموعه ای از توانایی ها است که حوزه هایی متنوعی از قبیل تشخیص تجلیات هیجانی، علل و نتایج هیجانها، وضعیت های هیجانی میان فردی و تأثیر آنها در انگیزش فرد را شامل می شود (فاطمی، ۱۳۸۵). براین اساس عشق یکی از هیجانهاست بسیار شدید در آدمی است و یکی از مهمترین چیزهایی است که مردم در روابط زناشویی به دنبال آن هستند. عشق عموماً دربرگیرنده دل مشغولی با شخص دیگر است، یک حس عمیق از صمیمیت و آرزو برای بودن با شخص مورد علاقه، احیای ناکامل بودن بدون طرف مقابل و احساس شدید نسبت به طرف مقابل و احساس تعهد به او است (اشترنبرگ، ۱۹۸۴)، به نقل از زیدنر و کالودا، (۲۰۰۸). از همین رو عقیده براین است که هوش هیجانی یکی از عوامل مهم و مؤثر در پایداری روابط و رضایت از آن است. زوجین برای مقابله ی موفقیت آمیز با استرس های پیش رو و گسست های عاطفی، نیازمند مهارتهای شناسایی، درک و تنظیم عواطف خود و همسر خود هستند.

در دومین فرضیه ی این پژوهش سبک دلبستگی ایمن با ابعاد عشق مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه سبک های دلبستگی ایمن، رابطه معنی داری با ابعاد مولفه های عشق ندارند. بنابراین فرضیه ی دوم پژوهش، در رابطه با ابعاد مولفه های عشق تأیید نمی شود. هر چند در مورد رابطه ی سبک دلبستگی ایمن و مولفه های عشق، پژوهش زیادی انجام نگردیده، اما حجم زیادی از شواهد، حاکی از تأثیر گذاری سبک دلبستگی ایمن بر زندگی زناشویی دارد که می توانند به عنوان شواهد همسو با این بخش از یافته ها در نظر گرفته شوند. از جمله این تحقیقات (اگسی و گنسوس، ۲۰۱۱؛ آژدری، رفاهی و نظیری، ۱۳۹۳؛ شاکر و همکاران، ۲۰۱۰؛ لانشانو^۵ و همکاران، ۲۰۱۲؛ رضازاده، ۱۳۸۸؛ قنبری، آزاد فلاح، رسول زاده طباطبایی و فرهادی، ۱۳۸۵). با این وجود دلبستگی بزرگسالان گرایش ثابت فرد در تلاش برای جستجوی روابط نزدیک و ارتباط با فرد یا افراد معدودی است که توانایی بالقوه ی ایجاد ایمنی و آسایش جسمانی و روانی را دارند، این گرایش ثابت با "الگوهای کاری ذهن" تنظیم می شود که طرحواره های انگیزشی - عاطفی و شناختی هستند و ناشی از تجارب فرد در روابط بین فردی اش در دنیا می باشد. سبک های دلبستگی به الگوهای کاری ویژه ای از دلبستگی برمی گردد که پاسخ های رفتاری فرد را نسبت به جدایی یا همبستگی مجدد واقعی یا تصور شده از چهره های دلبستگی تعیین می کند (برمن، اسپرلینگ^۶، ۱۹۹۴)، به نقل از حکیم جواد، مظاهری، (۱۳۸۶).

¹ - Esch & Stenfano

² - Gonzaga, Keitner, Rife & Smith

³ - Simpson, Tran & Haydon

⁵ - Lanciano

⁶ - Berman & Sperling

در سومین فرضیه ی این پژوهش نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و ابعاد عشق مورد بررسی قرار گرفته شد. و نتایج این فرضیه به این صورت می باشد، سبک دلبستگی ایمن با هوش هیجانی رابطه دارد، اما با مولفه های عشق رابطه مستقیم ندارد. با این حال از آنجا که سبک دلبستگی ایمن با هوش هیجانی رابطه داشته و هوش هیجانی نیز با ابعاد عشق رابطه دارد، می توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی ایمن، هر چند رابطه مستقیم با ابعاد عشق ندارند، اما به طور غیر مستقیم و از طریق هوش هیجانی با ابعاد عشق ارتباط دارند. روی هم رفته نتایج این پژوهش و پژوهش های مشابه، لزوم توجه به مکانیسم های واسطه ای در بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و پیامدهای آن را مورد تأکید قرار می دهد. به نظر می رسد سبک دلبستگی ایمن تأثیر خود را در حوزه ی زناشویی از طریق برخی مکانیسم های واسطه ای اعمال می کنند. در پژوهش حاضر هوش هیجانی توانست تأثیر سبک دلبستگی بر مولفه های عشق را به صورت کامل واسطه گری کند. همانگونه که قبلاً نیز مطرح گردید، شکل گیری سبک های دلبستگی ایمن در حقیقت به معنای اتخاذ راهبردهای مختلف برای تنظیم عواطف است که متأثر از مدل های فعال درونی در مورد خود و دیگران هستند. تفاوت های فردی در ظرفیت ها و راهبردهای تنظیم عواطف به دوره ی بزرگسالی انتقال یافته و سبک های مقابله ای، حل مسئله، فرایندهای حمایت اجتماعی و کیفیت روابط و سلامت فیزیکی و روانی را تحت تأثیر قرار می دهد (کوپر^۱ و همکاران، ۱۹۹۸؛ فابز^۲ و همکاران، ۱۹۹۷ و رپتی^۳ و همکاران، ۲۰۰۲ به نقل از دیاموند و اسپین وال^۴، ۲۰۰۳).

همچنین این یافته ها با نتایج به دست آمده در مطالعات لانشانو و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر نقش واسطه گری هوش هیجانی در رابطه ی بین سبک های دلبستگی و نشخوار فکر ناسازگار، پژوهش دیاموند و هیکس^۵ (۲۰۰۵) در مورد نقش تنظیم فیزیولوژیک در رابطه بین سبک های دلبستگی با عواطف منفی و ایمنی در روابط، پژوهش پینگ و هالفورد^۶ (۲۰۱۲) در مورد نقش واسطه گری رفتارهای ارتقاء دهنده ی روابط در رابطه ی بین سبک های دلبستگی و رضایت از روابط را می توان همسو با این بخش از یافته های پژوهش حاضر دانست.

بر اساس یافته های این پژوهش پیشنهادهایی که می توان داد بررسی دیگر مکانیسم های واسطه ای احتمالی در رابطه بین سبک های دلبستگی و ابعاد عشق همچنین با توجه به اینکه سبک های دلبستگی و هوش هیجانی همه ابعاد زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می دهند، بررسی رابطه سبک های دلبستگی با واسطه گری هوش هیجانی بر دیگر پیامدهای مهم فردی، تحصیلی، خانوادگی و غیره نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مأخذ

اژدری، زهره؛ رفاهی، ژاله؛ نظیری، قاسم. (۱۳۹۳). پیش بینی سبک های عشق ورزی بر اساس سبک های دلبستگی با واسطه گری هوش هیجانی در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و تحقیقات فارس.

بخشنده، سمیه. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین عشق و رضایت زناشویی در دانشجویان زن متأهل. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

بشارت، محمدعلی؛ زبردست، عذرا؛ نادعلی، حسین؛ صالحی، مریم. (۱۳۸۷). هوش هیجانی، نارسایی هیجانی و مشکلات بین شخصی. مجله

روانشناسی و علوم تربیتی. سال سی و هشتم، شماره ۲: ۱۲۳-۱۰۱.

1-Cooper

2-Fabes

3-Repetti

4- Diamond & Aspinwall

5- Diamond & Hicks

6- Pepping & Halford

تالیس، فرانک. (۱۳۸۶). **مرض عشق: آیا عشق یک بیماری روانی است؟** (ترجمه سعید وهابی). تهران: جیحون. (تاریخ انتشار عنوان اصلی ۲۰۰۴).

جانسون، سوزان ام؛ ویفن، والری ای. (۱۳۸۸). **فرایندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی**. (ترجمه فاطمه بهرامی ... [و دیگران]. تهران: دانژه. (تاریخ انتشار عنوان اصلی ۲۰۰۰).

حافظی، فریبا؛ جامعی نژاد، فرحناز. (۱۳۸۸). رابطه بین عشق، عاطفه مثبت، عاطفه منفی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان شرکت ملی حفاری خوزستان. **یافته‌های نودر روانشناسی**. ۴(۱۰): ۵۲-۴۱.

حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۶). **انگیزش و هیجان**، تهران: نشر ارسباران.

حکیم جواد، منصور؛ مظاهری، محمدعلی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۸۶). مقایسه رابطه ناتوانی هیجانی و استرس و دلبستگی در زوج‌های در شرف طلاق. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**. سال سوم، شماره ۱۲: ۸۲۵-۸۱۱.

حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، سال سوم، شماره نه: ۵۸-۴۷.

رضازاده، معصومه. (۱۳۸۸). **تبیین ابعاد عشق ورزی بر اساس سبک‌های دلبستگی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی ره.

روستایی، مرتضی؛ غنایی، علی؛ مدرسی غروری، مرتضی. (۱۳۸۹). **هوش هیجانی در معلولین جسمی ورزشکار و غیر ورزشکار. روانشناسی معاصر (ویژه‌نامه) سال ششم، شماره ۲۲: ۳۹۸-۳۹۵**.

صفری دهنوی، یدالله؛ عابدی، احمد. (۱۳۹۰). رابطه بین سن، تحصیلات، سابقه خدمت و جنسیت با هوش هیجانی و هوش شناختی مدیران سه مقطع در منطقه لنجام اصفهان. **رویکردهای نوین آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران**. سال ششم، شماره دو: ۹۸-۷۳.

فاطمی، محسن. (۱۳۸۵). **هوش هیجانی**. تهران: انتشارات سارگل.

فروم، اریک. (۱۳۹۰). **هنر عشق ورزیدن**. (ترجمه پوری سلطانی). تهران: انتشارات مروارید.

قنبری، نیک‌زاد؛ آزاد فلاح، پرویز؛ رسول‌زاده طباطبائی، کاظم؛ فرهادی، مهران. (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی و احساس غربت. **تازه‌های علوم شناختی**. ۸ (مسلسل ۲۹): ۳۰-۲۳.

کرین، ویلیام سی. (۱۳۹۰). **نظریه‌های رشد، مفاهیم و کاربردها**. (ترجمه غلامرضا خوئی نژاد و علیرضا رجایی). تهران: انتشارات رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۰).

گلنن، دانیل. (۱۳۸۸). **هوش هیجانی**. (ترجمه نسرين پارسا). تهران: انتشارات رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۵).

مظاهری، م؛ سپاه منصور، م. (۱۳۸۵). مقایسه مولفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت زناشویی و عدم رضایت زناشویی.

چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران: ص: ۲۱۷.

یوسفی، فریده. (۱۳۸۵). رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان. **روانشناسی تحولی (روانشناسی ایرانی)**. ۳(۹): ۱۳-۵.

- Diamond, L. M., & Aspinwall, L. G. (2003). Integrating diverse developmental perspectives on emotion regulation. *Motivation and Emotion*, 27(1), 1-6
- Diamond, L. M., & Hicks, A. M. (2005). Attachment style, current relationship security, and negative emotions: The mediating role of physiological regulation. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(4), 499-518.
- Egeci, S., Gensoz, T. (2011). The Effect of Attachment styles, Problem- Solving skills, & communication skills on Relationship satisfaction. *Procedia- social and behavioral sciences* 30, 2324-2329.
- Esch, T., & Stenfano, G. B. (2005). The neurobiology of love. *Neuro endocrinology Assessment*, 42 (6), 626-634.
- Gonzago, G.C., Keitner, D., Londahi, E.A., & Smith, M.D. (2006). Love & commitment in romantic relations & friendship. *Personality & social psychology*, 81 (2), 247-264.
- Halat, M.I., Hovardoglu, S. (2011). **The relation between forms and durations of relationships & Behavioral Sciences** 30, 2567-2574.
- Kaferesios, K. (2004). Attachment and emotional intelligence abilities across the life coursel personality and individual Differences. 37: 129-145.
- Lanciano, T., Curci, A. Kafetsios, K., Elia, L., Zammuner, V. L. (2012). Attachment and dysfunctional rumination: **the mediating role of Emotional Differences** 53, 753-758.
- Lyons – Ruth , K., Ripacholi , B, Mcleod , S., & Silva , (2008). Disorgenhzed attachment behavior in infancy short – term stability , maternal and infant correlates and risk – related subtypes . **Journal of applhde famhly and child studies** , 36 , 87-91.
- Madey, S. F., & Rodgers, L. (2009). The Effect of Attachment and Sternberg's Triangular Theory of love on Relationship satisfaction. **Individual Differences Research** Vol. 7, 76-84.
- Peping, C. A., Halford, W. K. (2012). Attachment & relationship satisfaction in expectant first time parnts: The mediating role of relationship in hansing behavior. **Journal of research in personality**. 46, 770-774.
- Shaker, A., Heshmati, R., Poorrahimi, M. (2010). Investigating of Marital adjustment in people with secure, preoccupied, dismissing & fearful attachment styles. **Procedia social and Behavioral sciences** 5, 1823-1826.
- Simpson, J. A., Collins, W. A., Tran, S., & Haydon, C. (2007). Attachment and experience and expression of emotions in romantic relationship a developmental perspective. *Journal of personality and social psychology*. 92, 355-367.
- Zeidner , M . , kaluda , I , (2008) .Romantic love: What`s emotional intelligence (EI) got to do with it ? . **personality and individual differences** 44 , 1684-1695.
- Zeidner, M., Kaluda, I. (2013). Emotional intelligence (EI), conflict re solutions, and relationship satisfaction: Actor and partner effects revisited. **Personality and Individualdifference** 54, 278-283.

